

تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم¹

تاریخ پذیرش: 1398/01/10

تاریخ دریافت: 1397/12/17

علیرضا ادیبی²، لطفعلی بختیاری³، مجید رضائی راد⁴، فریبا شایگان⁵

از صفحه 89 تا 114

چکیده

زمینه و هدف: توجه ویژه به تصمیم‌گیری صحیح، به‌موقع و اجرای سریع آن در مأموریت‌های محوله از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار می‌باشد که می‌بایستی مورد لحاظ قرار گیرد، به‌گونه‌ای که مدنظر قرار دادن مباحث مدیریتی بویژه اصول و مبانی تصمیم‌گیری از جایگاه خاصی برخوردار است، لذا نیروی انتظامی می‌بایستی در راستای پیشگیری انتظامی از جرم با درک، شناخت و تصمیم‌گیری مناسب، و اجرای به‌موقع ابعاد و شاخص‌های آن در جامعه اقدام لازم را به‌عمل آورد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم (مورد مطالعه مدیران اجرایی سرکلانتری دوم تهران بزرگ) می‌باشد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نوع کاربردی و به روش کیفی، پس از جمع‌آوری اطلاعات اولیه از طریق مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی، با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش 42 نفر از اساتید و مدیران اجرایی شامل 30 نفر از اساتید گروه پیشگیری انتظامی از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین و 12 نفر از رؤسای سرکلانتری دوم فاتب بودند که نظر به قابل دسترس و محدود بودن تعداد آنها، نمونه‌گیری به صورت تمام‌شمار انجام شد.

یافته‌ها: با توجه به معادله رگرسیون و ضریب استاندارد وضعیت داده‌ها نرمال و برابر آزمون t تک نمونه‌ای با سطح معنی‌داری کوچک‌تر از 0/05 با اطمینان 95 درصد بین ابعاد تصمیم‌گیری و پیشگیری انتظامی از جرم رابطه معنی‌دار مثبتی وجود دارد یافته‌ها نشان از آن دارد که بالاترین تأثیر مربوط به متغیر شناسایی و تشخیص مسئله در پیشگیری انتظامی از جرم است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بیشترین تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری را به ترتیب متغیرهای، شناسایی و تشخیص مسئله، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها و ارزیابی راه‌حل‌ها بر تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم را دارند. یعنی با ارتقای یک واحد از متغیرهای مدل به ترتیب متغیرهای شناسایی و تشخیص مسئله (0/248)، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها (0/220)، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها (0/230) و ارزیابی راه‌حل‌ها (0/210) تأثیر را بر تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: تصمیم‌گیری، تشخیص مسئله، پیشگیری، پیشگیری انتظامی.

1- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «الگوی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم» می‌باشد.

2- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، رایانامه: adibi2014@chmail.ir

3- عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: abakhti51@yahoo.com

4- عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: Mrezairad41@yahoo.com

5- عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: shayegan_fa@yahoo.com

از زمانی که دانش مدیریت به عنوان یک علم مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت، همواره از سوی صاحب‌نظران، کارکردها و وظایف مختلفی به عنوان وظایف اساسی مدیران مطرح شده است که تصمیم‌گیری از مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید. به طوری که یکی از دانشمندان و نظریه‌پردازان مدیریت «هربرت سایمون¹» تا به آنجا پیش رفته است که تصمیم‌گیری را با مدیریت مترادف می‌داند (احمرلویی، 1389: 93). این موضوع نیز در نیروهای مسلح با توجه به عملکرد و حیطه وظایف آنان مورد نظر قرار گرفته و سیاست‌ها، برنامه‌ها و تدابیر پیشگیری از جرم² با توجه به اقدامات متنوع نظام عدالت کیفری در مبارزه با جرم به جایگاه ویژه‌ای دست یافته است. امروزه موضوع پیشگیری از جرم به یکی از موضوعات مهم دولت‌ها تبدیل و حتی میزان کارآمدی دولت‌ها در این زمینه، یکی از ملاک‌های بسیار مهم موفقیت آنها در «حکمرانی خوب» محسوب می‌شود. پیشگیری از جرم روش‌های مختلف و متفاوتی دارد که معمولاً از همه آنها به نسبت توانایی‌ها و امکانات و نیز وضعیت موجود جرایم کم و بیش استفاده می‌گردد، لذا در مرسوم‌ترین تقسیم‌بندی موجود به دو نوع پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم و یکی از انواع راهبردهای پیشگیرانه از جرم «پیشگیری انتظامی از جرم» می‌باشد (بارانی، 1388: 21).

امروزه کمتر اندیشمندی را می‌توان یافت که در مباحث مدیریتی بر اهمیت و ضرورت تصمیم‌گیری و روش‌های آن تأکید نداشته باشد. این اصل یعنی تصمیم‌گیری با سرعتی شتابان در حال ارتقای جایگاه خود در فرایند مدیریتی و سیاست‌گذاری دولت‌ها و سازمان‌ها قرار گرفته است. مدیران به طور کلی در تصمیم‌گیری و دستیابی به اهداف سازمانی از دو سبک، شهودی (ابتکاری) و عقلایی (منطقی) استفاده می‌کنند. در سبک شهودی مدیران بر مبنای تجربه، تحلیل‌های دوره‌ای و احساس وقوع رخدادها، تصمیم‌گیری می‌کنند. در حالی که در سبک عقلایی، مدیران با تکیه به توانایی‌های فکری، عقلی و پس از بررسی، تجزیه و تحلیل منظم و دقیق اطلاعات، با شناسایی و به کارگیری بهترین راه حل ممکن

1-Herbrt saimon
2- Crime Prevention
3- Police Prevention
4- stvart

اتخاذ می‌نمایند. از آنجا که محیط پیرامون ما در حال تغییر و تحول دائمی است، سازمان‌ها نیز برای ادامه حیات می‌باید به طور مداوم خود را منطبق و هماهنگ با تغییرات محیطی نمایند. بنابراین، سازمانی موفق است که هر چه بیشتر و بهتر خود را با محیط و شرایط محیطی هماهنگ نماید و این امر نیاز به تصمیم‌گیری‌های به موقع و مناسب مدیران در سازمان‌ها می‌باشد (استوارت، 1390: 37).

پلیس یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مرتبط با مقوله پیشگیری از جرم است. که در راستای کاهش و پیشگیری از جرایم و ناامنی رویکردها مختلفی را تجربه نموده است. امروزه موفقیت سازمان‌های پلیسی جهان با رویکرد جامعه‌محوری در کنترل و پیشگیری از وقوع جرایم با همکاری و تعامل با مردم و سازمان‌های دولتی و خصوصی اثبات شده است. زیرا پلیس می‌تواند با شناسایی نقاط جرم‌خیز، آماج جرم و زمان وقوع جرایم، بر وضعیت و شرایط قبل و حین ارتکاب جرم تأثیر گذاشته و فرصت‌های ارتکاب جرم را برای مجرمان محدود و یا با مشکل مواجه نماید (ذوالفقاری و دیگران، 1395: 4). فرماندهان، مدیران و مسئولین در نیروی انتظامی، پیشگیری از وقوع جرم را باید با نگاه علمی و هوشمندانه و مبتنی بر واقعیت‌های موجود جامعه، مدیریت و هدایت نمایند. تصمیم‌گیری برای انتخاب تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مناسب، یکی از مراحل مهم و اساسی در فرآیند مدیریت پیشگیری انتظامی محسوب می‌گردد. لذا پلیس به عنوان اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده نظم و امنیت که در کلیه شیوه‌های پیشگیری از جرم نقشی بنیادین ایفا می‌کند می‌بایست همگام با تغییرات پیش‌رفته و خود را با شرایط و تحولات جدید تطبیق دهد. بنابراین امروزه مدنظر قراردادن مباحث مدیریتی بویژه اصول و مبانی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جایگاه خاصی برخوردار است و روش‌های آن می‌توانند برنامه‌ریزان و مسئولان پلیس را به فراسوی روش‌های سنتی سوق دهد و آنها را در مواجهه با جرایم و رویدادهای بالقوه آینده آماده نماید، لذا پژوهش حاضر، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشگیری از جرم: بنا به تعریف مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرایم، هر عملی که باعث کاهش بزهکاری، خشونت و ناامنی از طریق مشخص کردن و حل کردن عوامل ایجادکننده این مشکلات به روش علمی شود؛ پیشگیری از جرم است، به دیگر سخن، هر رویه‌ای که اعمال شود و نتیجه آن نشان می‌دهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده، آن رویه را می‌توان پیشگیری از جرم دانست (بیات، عبدی و شرافتی‌پور، 1387: 50).

پیشگیری

در مورد انواع پیشگیری تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از منظرهای مختلف صورت گرفته است. این تقسیم‌بندی‌ها فراتر از تقسیم‌بندی‌های صرف نظری هستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند. مطابق معیار زمان مداخله، به دوگونه کنشی (قبل از ارتکاب جرم) و واکنشی (پس از ارتکاب جرم)، بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین (برای همه افراد)، دومین (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)، مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)، بر اساس معیار سازمان مداخله‌کننده: سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در مسائل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مراجع رسیدگی‌کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفری (از طریق سازوکارهای نظام عدالت کیفری) و غیرکیفری (از طریق سازوکارهای خارج از نظام عدالت کیفری) دسته‌بندی می‌شود (عباچی، 1387: 67).

در تقسیم‌بندی‌های نوین، پیشگیری از جرایم از منظر رویکرد شامل: پیشگیری کیفری و غیرکیفری است که پیشگیری کیفری خود به پیشگیری عام و خاص و پیشگیری قضایی و انتظامی تقسیم می‌شود. پیشگیری غیرکیفری نیز به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تفکیک می‌گردد.

پیشگیری انتظامی: مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی نظیر: افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون و نیز بررسی روند بزهکاری و علل

وقوع آن به منظور اتخاذ تدابیر مقابله با مجرم و انجام اقدامات فوری در امر مبارزه با بزهکاری و جرائم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرایم است (میرزایی مطلق، 1388: 2).

پلیس یکی از متولیان امنیت عمومی است که عمده وظیفه آن پیشگیری انتظامی است. پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. اجتماع، همزمان سرچشمه جرم، قربانی جرم و حامی عاملان اجرای قانون که درصد کنترل جرم هستند، می‌باشد بنابراین کشف و پیشگیری موفقیت‌آمیز جرم به نوعی به ارتباط خلاق میان اجتماع و مأمورین امنیتی و انتظامی بستگی دارد.

سطوح پیشگیری: به طور کلی نقطه تمرکز مداخله‌های پیشگیرانه را می‌توان در یکی از سه منظر زیر قرار داد: (موقعیت جرم‌زا، بزه‌دیده و بزهکار) لذا هر یک از این سه مؤلفه می‌توانند نقطه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در یکی از سه سطح زیر باشد:

پیشگیری مرحله اول: پیشگیری عمومی و آگاهی بخشی جامعه نسبت به جرم؛

پیشگیری مرحله دوم: تمرکز بر افراد در معرض بزه؛

پیشگیری مرحله سوم: پیشگیری از تکرار بزه.

برنامه‌های پیشگیرانه در 9 سطح مختلف قابل اجرا هستند. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که پلیس امکان مداخله در تمام سطوح را دارد؛ اما متناسب با سطح و نقطه تمرکز انتخابی، حضور پلیس نسبت به سایر نهادها، کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال در پیشگیری مرحله اول، نقش آموزش پررنگ‌تر است و پلیس به عنوان یک بازوی اجرایی در کنار نهادهای جامعه‌ی آموزشی، نقشی مکمل ایفا می‌کند؛ حال آن که در برنامه‌های پیشگیری مرحله سوم نظیر نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، پلیس عهده‌دار نقش اصلی است و سایر نهادها نقش مکمل دارند. به طور کلی می‌توان ادعا کرد هرچه از مرحله اول به سمت مرحله سوم پیش می‌رویم به تدریج نقش پلیس و برنامه‌های پیشگیرانه پلیسی پررنگ‌تر می‌شود.

پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیشگیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و دقت در فرایند تعقیب و

دستگیری که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است. فعالیت پیشگیرانه خود را انجام می‌دهد. جنبه بازدارنده و ارعابی مداخله کیفی پلیس از سوی بزهکاران را بلافاصله پس از ارتکاب جرم با نظام نیرومند تعقیب و دستگیری مواجه می‌سازد و بنابراین یکی از ابعاد بازدارندگی برای تکرار جرم را فراهم می‌کند و از سوی دیگر با بالا بردن احتمال دستگیری و افزایش ریسک ارتکاب جرم، قصد و تمایل مجرمان احتمالی را برای ارتکاب آن بزه کاهش می‌دهد. در پیشگیری غیرکیفی نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، گشت‌های خیابانی، نظارت بر مناطق جرم‌زا، نصب دوربین‌های مداربسته در معابر عمومی و جرم‌خیز و بسیاری دیگر از برنامه‌های پیشگیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن را به کنترل خود در می‌آورد (نوروزی، بارانی و سرکشیان، 1392: 26).

پیشگیری انتظامی: پلیس و دستگاه انتظامی یکی از متولیان امنیت عمومی است که عمده وظیفه آن پیشگیری انتظامی است. پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. اجتماع، همزمان سرچشمه جرم، قربانی جرم و حامی عاملان اجرای قانون که درصدد کنترل جرم هستند، می‌باشد (بیات، شرافتی‌پور و عبدی، 1387: 35). مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی نظیر افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون و نیز بررسی روند بزهکاری و علل وقوع آن به منظور اتخاذ تدابیر مقابله با مجرم و انجام اقدامات فوری در امر مبارزه با بزهکاری و جرائم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرایم است (میرزایی مطلق، 1381: 2).

پلیس جامعه‌محور: یکی از مفاهیمی است که در حوزه علوم پلیسی، توسعه روز افزونی داشته و مفهوم جدیدی از آن ارائه شده است. این مفهوم عبارت است از این که پلیس برای اداره امور پلیسی و مدیریت جامعه از سرمایه‌های اجتماعی و منابع دیگر در ابعاد گوناگونی که مشارکت و نظارت مردم در امور پلیسی از بارزترین نمادهای آن به حساب می‌آید، بهره‌گیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه‌ای داشته باشد. در این رویکرد پلیس خود را بخشی از جامعه می‌داند و تلاش می‌کند با جلب همکاری سایر اقشار اجتماعی به پیشگیری از جرم بپردازد. رویکرد پلیس جامعه‌محور با سه رکن زیر

شناخته می‌شود؛ اول دخالت دادن جامعه، پلیس جامعه‌محور در زمان تعیین اولویت‌ها و انتخاب تاکتیک‌های پیشگیرانه و اجرای آنها، خود جامعه را دخالت می‌دهد. دوم مسئله محوری و برخورد ریشه‌ای با پدیده بزهکاری و ناامنی در جامعه و درصدد شناسایی عللی است که در عقبه وقایع مجرمانه وجود دارد، تا تاکتیک‌های مناسبی را برای برخورد با این علل و عوامل طراحی کند. سوم تمرکززدایی که به عنوان راهبردی سازمانی و با اعطای استقلال عمل انعطاف و چابکی لازم را با هماهنگی پلیس با الزامات جامعه محلی فراهم می‌کند. با توضیحات مهم‌ترین آثار اجرای پلیس جامعه‌محور، حضور مشهود پلیس در جامعه، اطلاع‌رسانی به جامعه توسط پلیس و ایفای نقش مربی و الگو برای جامعه، حمایت از بزه‌دیدگان و کمک به مشارکت‌های مردمی است (محمدنسل، 1388:133).

«فریدمن¹» از جمله کسانی است که تعریف نسبتاً جامعی را از پلیس جامعه‌محور ارائه می‌کند: «راهبرد و خط‌مشی، با هدف دستیابی به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم‌خیز هستند» (تریانویچ و باکوروکس²، 1383:19).

هرمن گلداشتاین³ در سال 1990 در کتاب خود به نام «پلیس مسئله محور» الگویی را برای امور پلیسی طراحی و ارائه نمود که به شدت تحت تأثیر «نظریه تصمیم‌گیری» قرار داشت. برداشت گلداشتاین شامل یک فرآیند منطقی و معقول تصمیم‌گیری است که مواردی از قبیل: «تشخیص و تعریف مسئله، تدوین اقدامات عملی جایگزین، گزینش و پیاده کردن مناسب‌ترین برنامه عملی و در نهایت ارزیابی اقدامات بعدی» را در بر می‌گیرد. گلداشتاین توصیه می‌کند که پلیس علاوه بر حل و فصل رویدادها باید آنها را تحت عنوان مسائل و مشکلات دسته‌بندی و به طور منظم علل زیربنایی مؤثر در مشکلات را تحلیل و با ابداع مناسب از وقوع مجدد این رویدادها پیشگیری نماید. با

1-Fridman

2-Teryanovich&bakorokes

3 -Herman Goldachtetin

چنین اقداماتی، پلیس به‌عنوان مشکل‌گشا می‌تواند در راستای کاهش جرم، بی‌نظمی و ترس از وقوع جرم، به اهداف بلندی دست یابد (میس و اورت مایر¹، 1385: 290).

تصمیم‌گیری

پروفسور شاکل² و همکارانش تصمیم‌گیری را در کتاب «عدم اطمینان و تصمیمات بازرگانی» به خوبی تعریف کرده‌اند. آنها بیان نموده‌اند «تصمیم‌گیری» عبارت است از ترکیب دانش، فکر، احساس و تصور به طوری که مجموعه حاصل قابل اجرا باشد. به مفهوم واضح‌تر «تصمیم‌گیری» عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان دو یا چند راهکار. یک تصمیم، انتخاب یک راه حل یا اقدام از بین مجموعه‌ای از اقدامات ممکن و جانشین‌های دیگر است (باقریان، 1386: 11). تصمیم‌گیری فراگردی است که از طریق آن، راه حل مسئله معین انتخاب می‌شود. فرآیند انتخاب مشتمل بر مجموعه فعالیت‌هایی است که به‌گزینش یک راهکار، از بین مجموعه راهکارهای بدیل، منجر می‌شود. بنابراین فراگرد انتخاب کردن جزئی از فراگرد تصمیم است (رضائیان، 1390: 29). از آنجا که تصمیم‌گیری از حساس‌ترین وظایف مدیران سازمان‌ها به‌شمار می‌رود، مدیران همواره با مسئله انتخاب در سازمان‌ها روبه‌رو هستند. برای دستیابی به انتخاب مطلوب باید مراحل خواه به‌طور همزمان و خواه به‌صورت متوالی طی شود که «تصمیم‌گیری» نامیده می‌شود (حمیدی زاده، 1387: 1).

نقش‌های مدیریتی

در پی پاسخ به این پرسش که مدیران چه کاری انجام می‌دهند، مطالعات گسترده‌ای انجام گرفته است که از جمله آنها می‌توان به نظریات چستر بارنارد، هنری مینتزبرگ، جان کاتر، رابرت کوئین، فرد لوتانز و گاری یوکی اشاره کرد. آن افراد باور داشتند برای تعیین شایستگی‌ها و توان مدیران باید دید آنها چه نقش‌هایی در سازمان‌ها دارند، وظایف مدیریتی و نقش‌های که مدیر در قالب آنها به‌اجرای وظایف خود می‌پردازد کدام است (بختیاری، 1394: 95).

میتنزرگ برای رفتار مدیران ده نقش مدیریتی معرفی کرد و بر این باور بود که به رغم تفاوت سازمان‌ها و مدیران این نقش‌ها در کارهای مدیران مشترک است. میتنزرگ این ده نقش را در سه گروه نقش‌های ارتباطی نقش‌های اطلاعاتی و نقش‌های تصمیم‌گیری طبقه‌بندی کرده است (عباس‌زادگان، 1387: 46).

گاری یوکی¹ برای مدیران یازده نقش مدیریتی قائل است: 1- شبکه‌سازی؛ 2- حمایت؛ 3- گروه‌سازی؛ 4- انگیزش؛ 5- تشویق؛ 6- برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی؛ 7- «حل مسائل: تشخیص مشکل، تجزیه و تحلیل و بررسی آنها به صورت سامان‌مند برای تعیین علت‌ها، تصمیم‌گیری برای اجرای راه‌حل‌ها و حل مسائل»؛ 8- مشورت؛ 9- مراقبت از عملیات؛ 10- اطلاع‌رسانی؛ 11- شفاف کردن اهداف (بختیاری، 1394: 108).

لیند بلوم² فرایند تصمیم‌گیری را به صورت رویشی، توصیف و الگویی توصیفی در سه مرحله شامل: 1- مرحله شناسایی بر پایه ارتباط و ارزیابی وضعیت‌های درونی و برون سازمانی؛ 2- شناسایی و طراحی راهکارها، صورت‌بندی و ارزیابی آنها؛ 3- انتخاب راهکار مناسب و اجرای آن، ارائه داده است. کالینگ ریچ³ تصمیم‌گیری کارا را، در واقع، کاوش برای روبروشدن با خطا و رغبت به پاسخ‌گویی به اکتشاف می‌داند. به جای تلاش برای اتخاذ تصمیم‌های درست با استفاده از تصمیم‌های عقلانی، فنی و با ساختار معین در شرایط اطمینان بخش را ارائه نمودند.

نقش تصمیم‌گیری: مدیران در نقش تصمیم‌گیری فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که به واسطه‌ی آنها سازمان را بتوانند به اهداف خود برسانند. گلدمن، لویز و فنت مراحل را برای تصمیم‌گیری مطرح می‌کنند که عبارت است از: شناخت مشکلات و فرصت‌ها، هدف‌گذاری، انتخاب راهکارها، انتخاب روش اجرایی، نظارت و ارزیابی (حمیدی‌زاده، 1387: 2). مراحل و گام‌های متعارف تصمیم‌گیری: مرحله اول - شناسایی وضعیت: با شناسایی مسأله این فرایند آغاز می‌شود. جهت شناسایی وضعیت سه فعالیت عمده صورت می‌گیرد. تعریف مسأله، شناسایی اهداف تصمیم، تشخیص علل مسأله چیزی است که توان سازمان را در رسیدن به اهداف به خطر می‌اندازد. مرحله دوم - ایجاد بدیل: یکی از

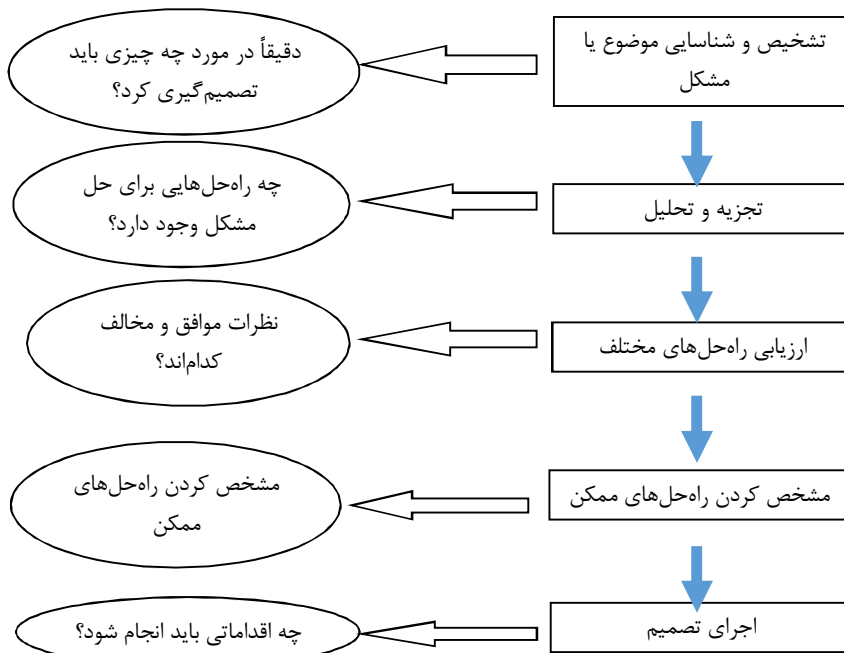
1- Gary

2- Lindblom

3- Calengridh

راهبردهای ذهن انسان چنگ زدن به اولین بدیل به عنوان آخرین بدیل می‌باشد. این خطا در خصوص انتخاب راه‌حل‌ها نیز رخ می‌دهد. در این مرحله می‌باید تا جای ممکن به تولید هر چه بیشتر بدیل‌ها پرداخته شود و کمیت نسبت به کیفیت دارای اولویت باشد. فنونی نظیر طوفان مغزی که کمک شایانی در احصاء هر چه بیشتر بدیل‌ها خواهد نمود. مرحله سوم- ارزیابی و انتخاب: با توجه به اهداف از قبل تعیین شده و قابلیت‌های سازمان، ارزیابی بدیل‌ها آغاز می‌گردد. برخی از بدیل‌ها از مطلوبیت بالایی برخوردار می‌باشند.

مرحله چهارم- پیگیری و اجرا: با انتخاب بهترین گزینه، پرونده مسأله و فرایند تصمیم‌گیری بسته نخواهد شد. زیرا ممکن است مسأله به صورت ذاتی و ریشه‌ای شناخته نشده باشد لذا راه‌حل‌ها به رفع عارضه‌ها کمک خواهند کرد نه به حل بنیادی مسأله. ولی در اغلب مواقع برای اتخاذ یک تصمیم مناسب لازم است که تصمیم‌گیرنده فرایند تصمیم‌گیری شامل مراحل: شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، انتخاب و برنامه‌ریزی را طی کند (رضاییان، 1390: 166).



شکل شماره 1- فراگرد تصمیم‌گیری (روبرت و لوی، 2005: 25)

صاحب‌نظران در مورد مراحل فرآیند تصمیم‌گیری نظرات متعددی دارند. در مجموع می‌توان گفت مراحل فرآیند تصمیم‌گیری حداقل سه مرحله و حداکثر نه مرحله عنوان شده که به‌طور خلاصه در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره 1- خلاصه مراحل فرآیند تصمیم‌گیری از دیدگاه صاحب‌نظران (حسینی، 1385: 21).

3 مرحله ای (مینتزبرگ، هیوبرو سایمون)	شناسایی، تعریف مسئله	طراحی و انتخاب و ایجاد راه گزینه‌ش حل‌ها	راه حل‌ها	راه حل‌ها
4 مرحله ای (کونتزو دیگران)	شناسایی مسئله	تعیین راه حل‌ها	ارزیابی راه حل‌ها	انتخاب راه حل‌ها
5 مرحله ای (کافمن)	شناسایی مسئله	تعیین راه حل‌ها	انتخاب یک راه حل	اجرای راه حل اثر بخشی
6 مرحله ای (موریس و ساشکین)	تحلیل موقعیت	هدف گذاری	جستجوی راه حل‌ها	اجرای راه حل گزینه‌ش یک راه ارزیابی راه حل
7 مرحله ای (کست و روزن زیک)	تعیین مسئله	تعیین راه حل‌ها	اثرات	برآورد تعلیم اهمیت سنجش تصمیم اخذ
8 مرحله ای (رابینز و فلدمن)	رویارویی با مسئله	تعیین اهداف و مقاصد	خلق راه حل‌ها	گردآوری اطلاعات
9 مرحله ای (گریفیس)	تعریف و تحدید مسئله	تحلیل و ارزیابی مسئله	تعیین ملاک های ارزیابی مسئله	گردآوری اطلاعات تعریف راه حل‌ها

عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری: در رابطه با محیط و تأثیر آن بر افراد و سازمان‌ها نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. افراد و سازمان‌ها پیوسته در تعامل با محیط دوچیز را با یکدیگر مبادله می‌کنند. بی‌ثبات و یا باثبات دانستن محیط مبتنی بر درک و برداشتی است که افراد از این امر دارند. عواملی که بر نحوه برداشت افراد از محیط مؤثرترند عبارت است از: 1- تعداد عناصر و عوامل موجود در محیطی؛ 2- تنوع و گوناگونی

عناصر و عوامل محیطی؛ 3- تغییر و تحول عناصر و عوامل محیطی؛ 4- قابلیت پیش‌بینی عناصر و عوامل طبیعی (باقریان، 1386: 68).

از نظر ادوارد¹ این عوامل شامل:

1- عوامل عقلایی: منظور، عوامل قابل اندازه‌گیری از قبیل هزینه، زمان، پیش‌بینی‌ها و غیره می‌باشد؛

2- عوامل روانشناختی: توانایی‌ها، تجربیات، درک، ارزش‌ها، آمال و نقش فرد؛

3- عوامل اجتماعی: موافقت دیگران بخصوص کسانی که تصمیم به نوعی بر آنان تأثیر می‌گذارد؛

4- عوامل فرهنگی: محیط دارای لایه‌های فرهنگی متعددی است که به نام فرهنگ منطقه، فرهنگ کشور و فرهنگ جهانی خوانده می‌شود. همچنین فرهنگ خود سازمان بر تصمیم فردی و یا سازمانی ما در قالب هنجارهای مورد قبول جامعه تأثیر می‌گذارند (ادواردز، 1998: 45).

برای تشخیص نوع و ماهیت یک تصمیم و تعیین سطح مدیریتی مسئول آن به دو ملاک می‌توان اشاره کرد:

الف: تصمیمات از حیث مراحل و چگونگی اخذ آنها (تازگی یا تکراری بودن تصمیم):

1- تصمیمات برنامه‌ریزی شده «معمول» تصمیم‌هایی هستند که: برحسب عادت، قوانین و رویه‌های معینی اخذ می‌گردند. هر سازمانی خط‌مشی و رویه‌هایی دارد که در وضعیت‌های مشابه و تکراری تصمیم‌گیری بر مبنای آن صورت می‌گیرد؛

2- تصمیمات برنامه‌ریزی نشده «غیرمعمول» هستند که در مورد مسایل جدید، غیر معمول، تازه و منحصر به فرد اخذ می‌شوند در واقع مربوط به مسائلی هستند که تازگی دارند و بی‌همتا می‌باشند (دفت²، 1385: 43).

ب: تصمیمات از حیث سطوح مدیریتی مرتبط با آن (دامنه امور و فعالیت‌هایی که تصمیم بر آنها مؤثر است): همه مدیران بدون توجه به سطح مدیریتی آنها در ساختار

1- Eadvared

2- Deft

سازمان باید تصمیم‌هایی را اخذ نمایند هر کدام از مدیران بسته به ماهیت مسائل فراروی آنها شیوه ویژه و تفکری خاص در حل مشکلات و مسائل دارند. لذا تصمیمات با توجه به رابطه آنها به سطوح مدیریتی که آنها را اخذ می‌کنند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

1- تصمیم‌های استراتژیک؛

2- تصمیم‌های اداری یا رده میانی؛

3- تصمیم‌های عملیاتی (ادواردز¹، 1998: 48).

جدول شماره 2- دیدگاه‌های مختلف تصمیم و فرآیند تصمیم‌گیری

نگرش	تلفی از تصمیم	هدف تصمیم‌گیری	مشخصه اصلی تصمیم
فلسفی	ملاک خوبی	یقین خوب یا بد بودن یک پدیده	بایستی ملاک مناسبی جهت سنجش پدیده‌ها باشد.
اقتصادی	عامل مطلوبیت	افزایش مطلوبیت	در جهت بهینه‌سازی مطلوبیت فاکتورهای اقتصادی است
مذهبی	عامل صلاح	قرب الهی	تصمیم در راه رشد و تعالی فرد اخذ شود
سیاسی	عامل سرنوشت ساز	حفظ و ارتقاء مناسبات سیاسی	تصمیم بایستی در جهت حفظ منافع باشد
مدیریتی	وظیفه مدیر	حفظ، توسعه و بهبود سازمان	تصمیم بایستی ضامن حفظ، توسعه و بهبود سازمان باشد

جدول شماره 3- سه مدل رویکردها تصمیم‌گیری (الوانی، 2013: 21)

موضوع	مدل عقلایی و تعدیل شده	مدل سیاسی و مبتنی بر قدرت	مدل آشفته
سازمانی	مجموعه‌ای از افراد و ابزار که در جهت نیل به اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند	مجموعه‌ای از ائتلاف‌ها میان افرادی که دارای اهداف و منافع متفاوتند	مجموعه‌ای از بی‌نظمی‌های سازمان‌یافته

البته بررسی سیر تکوینی فرآیند تصمیم‌گیری را می‌توان از طریق مطالعه مدل‌های تصمیم‌گیری نیز انجام داد، زیرا جنبه‌های میان رشته‌ای تصمیم‌گیری از طریق مدل‌سازی و چارچوب‌دهی بیشتر قابل بررسی، فهم و توضیح است (هاربون²، 2010).

1- Advoardz (1998)
2- Haruon(2010)
2- Rational Model

معیار تصمیم‌گیری اولیه برای هر مدل، عناصر سازنده اصلی آن و سپس فرضیات اساسی آن است. لذا به تعبیر وی معیارهای تصمیم‌گیری اولیه در مدل عقلایی، بهینه‌سازی، در مدل سازمانی، نیل به رضایت‌مندی، در مدل سیاسی، مقبولیت، در مدل تدریجی، اثربخشی و در نهایت در مدل فرآیندی، نتیجه‌مداری است (الوانی، 1390: 22).

مدل عقلایی¹: هنگامی که فرد به روش عقلایی تصمیم می‌گیرد، مسأله را به صورت سیستماتیک تجزیه و تحلیل می‌کند، راه‌حلی انتخاب می‌نماید و مراحل معقول را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد. تصمیم‌گیری عقلایی، یعنی جستجو برای یافتن و به کارگیری راه‌حلی که در هر زمان و مکان بهترین تصمیم باشد، تصمیم عقلایی دارای تفکر مدیریت کلاسیک تبلوری است و بر اساس مفروضات ثنوری مطلوبیت ذهنی مورد انتظار بنا شده است (اسکندری، 1393: 241).

الگوی تصمیم‌گیری اقتضایی: مبتنی بر این اصل است که کاربرد هر تصمیم یا روشی به وضعیت محیط یا شرایطی بستگی دارد که سازمان در آن واقع شده است. دو ویژگی سازمانی که در تعیین روش تصمیم‌گیری نقش مهمی ایفا می‌کنند عبارتند از: 1- توافق نظر در مورد هدف؛ 2- دانش فنی در مورد شیوه‌های تأمین آن هدفها (اسکندری، 1393: 244).

مدل تصمیم‌گیری تدریجی: لیند بلوم، نخستین توصیف را از مدل تدریجی با روش تصمیم‌گیری به عنوان علم حل آشفتگی‌ها ارائه داد. او بر این باور بود که مدیران برای تحلیل نظام‌مند مسائل و اهداف، مدت زمان زیادی را در آشفتگی به سر می‌برند، در حالی که عقلانیت آنان از لحاظ ظرفیت و توان پردازش ذهنی، حد و مرز محدود و معینی دارد.

مدل سیاسی تصمیم‌گیری: بر اساس یافته‌ها و مباحث رشته‌های علوم سیاسی، فلسفه و جامعه‌شناسی طراحی شده است. اساس و پایه مدل سیاسی کاملاً رفتاری است و به حصول نتایج کوتاه مدت در یک قلمرو سیاسی تأکید دارد. مدل سیاسی، استراتژی تصمیم‌گیری سازش یا مذاکره را به کار می‌برد (گودرزی، 1386: 30).

ابراهیم‌زاده (1395) در پژوهشی با عنوان «تبیین برنامه‌ریزی مؤثر در مدیریت پیشگیری از جرم» به این نتیجه دست یافته است که ناکارآمدی روش‌های سرکوب‌گرانه در کنترل و مهار جرم و بی‌نظمی موجب اتخاذ تدابیر پیشگیرانه به جای روش‌های سرکوب‌گرانه شده است. در حال حاضر پلیس به عنوان یکی از سازمان‌های مهم و مسئول برای نیل به این هدف، ناگزیر به اتخاذ راهبرد پیشگیری با رویکرد انتظامی، با بکارگیری مبانی و اصول تصمیم‌گیری سه مرحله‌ای مینتزبرگ، هیوبرو سایمون می‌باشد. ملکی (1394) در پژوهشی با عنوان «آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع مدل‌های تصمیم‌گیری» به مباحث تعریف تصمیم‌گیری، سطوح، درجه‌ها و انواع تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات زمان و موقعیت‌های تصمیم‌گیری، گام‌های تصمیم در چهار مرحله مرتبط و در راستای تحقق اهداف مورد نظر، فرآیندهای تصمیم‌گیری شامل درون و برون، رویکردهای تصمیم‌گیری در سه رویکرد، مدل‌سازی برای تصمیم‌گیری‌های مورد نیاز با روش مطالعه و گردآوری اطلاعات به روش کتاب‌خوانی پرداخته است. بغدادی (1393) در پژوهشی با عنوان «تأثیر شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران بر عملکرد سازمان» به این نتایج دست یافته است تصمیم‌گیری جوهره اصلی فعالیت‌های مدیران است، سبک تصمیم‌گیری مدیر می‌تواند تعیین‌کننده یک موفقیت بزرگ یا شکست تمام عیار برای سازمان باشد. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران منجمله تصمیم‌گیری هفت مرحله «کست و روزن زیک» می‌باشد. براری (1393) در پژوهشی با عنوان «نقش هدایت و کنترل در مدیریت پیشگیری انتظامی از جرایم» به بیان این مطلب پرداخته است مدیریت پلیس از جمله ریاست کلانتری و فرماندهی پاسگاه انتظامی ضمن رعایت اصول کلی مدیریت، فرهنگ فرعی و خاص خود را دارد، یگان‌های پلیس، کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها با روش‌هایی اندکی متفاوت از روبه معمول در بخش‌های دولتی و خصوصی، مدیریت پلیسی را اعمال می‌نمایند. منابع قدرت این فرماندهان جهت هدایت و رهبری مجموعه به ترتیب فراوانی عبارتند از: اختیارات قانونی، اشراف اطلاعاتی، اعمال تنبیه، تشویق و قدرت تخصصی می‌باشد. صحرایی و فرجی (1393) در پژوهش خود با عنوان «نقش مدیریت اطلاعات در بهبود تصمیم‌گیری مدیران» به این نتیجه رسیده‌اند: در عصر حاضر یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری مدیران، اطلاعات است. داشتن اطلاعات دقیق، صحیح و به هنگام باعث بالا رفتن سرعت

تصمیم‌گیری می‌شود و جلوی اتخاذ بسیاری از تصمیمات نادرست را خواهد گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از این است از نظر خبرگان استفاده از سامانه مدیریت اطلاعات در شناسایی مسائل و مشکلات تأثیر داشته و بین میزان استفاده از سامانه اطلاعات مدیریت و بهبود وضعیت شناسایی و تعیین مسئله توسط مدیران رابطه معناداری وجود دارد و بین بکارگیری نقش مدیریت اطلاعات و انتخاب بهترین گزینه توسط مدیران ارتباط معناداری وجود دارد.

لاله ماژین (1393) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای پلیس در پیشگیری انتظامی از جرم» به این نتیجه دست یافته است: نیروی پلیس در هر جامعه‌ای دارای ساختاری خاص که با وظایف و کارکردهای آن مطابق و هماهنگ است. برای تحقق آن کارکردها، از برنامه‌ها و رویکردهای متفاوتی استفاده می‌نماید. پلیس به عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش سازماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی می‌باشد. یکی از اقدامات مؤثر در راستای تحقق این وظیفه، پیشگیری انتظامی از جرم بوده که جهت تحقق این نوع پیشگیری، پلیس بایستی رویکردهای جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند، زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی توسط پلیس مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های مناسب با در نظر گرفتن شناخت و درک صحیح اولیه از موضوع جرم است. حال آنکه وظایف سنتی پلیس عمدتاً در برگیرنده اقدامات واکنشی در جهت کشف و تعقیب مجرمین است. روئل¹ (2013) در پژوهش خود با عنوان «نوآوری پلیسی: افزایش تحقیق و تحلیل ظرفیت پلیس هوشمند» با اشاره به نوآوری‌های بسیار پلیسی در طول 40 سال گذشته، از جامعه‌محوری، مسأله محوری تا پلیس اطلاعات‌محور، بیان کرده که اثربخشی بسیاری از این نوآوری‌ها در معرض آزمایش‌های تجربی قرار گرفته و آخرین نوآوری پلیسی «ابتکار پلیس هوشمند با طراحی سه مرحله‌ای» مبتنی بر تصمیم‌گیری مناسب است. فلیکس ویتزمن و چرماک² (2013) در پژوهشی تحت عنوان «استفاده از برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به منظور افزایش بقاء (طول عمر) سازمانی» به این نتیجه دست یافتند که بین برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری با یادگیری سازمانی، آگاهی محیطی، توسعه منابع

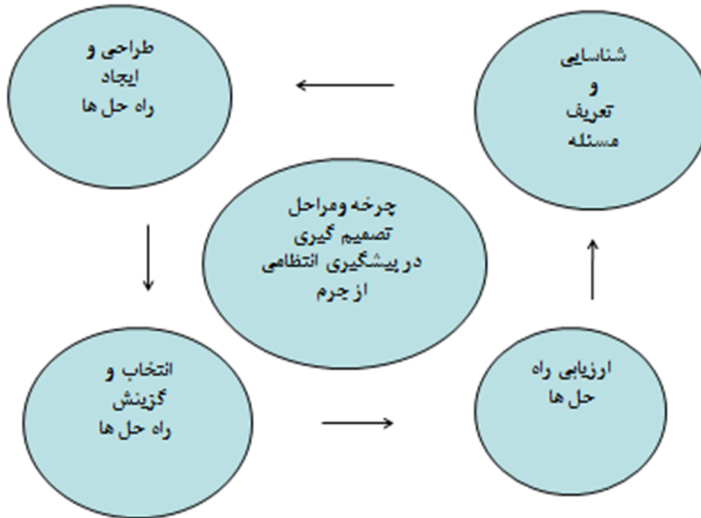
1- Roetl (2013)

2- Flexs (2013)

انسانی، مدیریت بحران و برنامه‌ریزی استراتژیک رابطه وجود دارد. بنابراین برنامه‌ریزی مبتنی بر تصمیم‌گیری مفید با تشخیص و شناخت مناسب می‌تواند به افزایش بقاء و طول عمر سازمان کمک کند که نیاز به تحقیقات بیشتری در این زمینه می‌باشد.

مدل مفهومی

در خصوص پیشگیری انتظامی، تصمیم‌گیری و مدل‌های آن: تعاریف، مؤلفه‌ها، علل و عوامل، انواع، نظرات و عقاید مختلفی وجود دارد که شرح و توضیح برخی از آنان به میزان ارتباط با این تحقیق بیان گردید، لذا با توجه به مباحث قبلی به ویژه نظریه‌ها و تئوری‌های مرتبط با این پژوهش بویژه مدل سه مرحله‌ای (مینتزبرگ، هیوبر و سایمون) و چهار مرحله‌ای کونتز و دیگران پس از اخذ نظرات اساتید و کارشناسان انتظامی در این زمینه الگوی مفهومی تحقیق به شرح زیر حاصل شد.



شکل 2- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است که پس از جمع-آوری اطلاعات اولیه از طریق مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری پژوهش 42 نفر از اساتید و مدیران اجرایی شامل: 30 نفر از اساتید گروه پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین و 12 نفر از رؤسای سرکلانتری دوم فاتح بودند که نظر به قابل دسترس و محدود بودن تعداد آنها، نمونه‌گیری به صورت تمام شمار انجام شد، ابزار اصلی سنجش متغیرها در این تحقیق «پرسشنامه محقق ساخته» است که این پرسشنامه به تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم که شامل 36 گویه در 5 طیف لیکرت است استفاده شد. از این تعداد گویه‌ها، 9 گویه به فرضیه اول (تأثیر شناسایی و تشخیص مسئله)، 9 گویه به فرضیه دوم (تأثیر طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها)، 9 گویه به فرضیه سوم (تأثیر انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها) و 9 گویه به فرضیه چهارم (تأثیر ارزیابی راه‌حل‌ها) اختصاص یافته است.

روایی ابزار سنجش تحقیق با مراجعه به اساتید این رشته و تعدادی از کارشناسان صاحب‌نظر در حوزه پژوهش تأیید شد. پایایی و اعتبار پرسش‌نامه این تحقیق با محاسبه آلفای کرونباخ و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مورد سنجش قرار گرفته است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ کل برای تعداد 30 پرسشنامه «تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم» توزیع شد پایایی 0/880 به دست آمد که نشان‌دهنده وجود پایایی بالایی برای پرسشنامه می‌باشد. لذا پایایی گویه‌های هریک از متغیرها عبارت است از: شناسایی و تشخیص مسئله (0/885)، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها (0/885)، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها (0/870) و ارزیابی راه‌حل‌ها (0/870) است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

بر اساس اطلاعات جدول شماره چهار ملاحظه می‌شود: 4 نفر جامعه آماری پژوهش دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، 28 نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و 10 نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری می‌باشند، بیشترین فراوانی سن خدمتی با 22 نفر

مربوط به سن خدمتی 21 تا 25 سال مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد می‌باشد و بیشترین فراوانی سن با 20 نفر مربوط به سن 36 تا 40 سال مربوط به مقطع تحصیلی دکتری است.

جدول شماره 4- توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بخش کمی

تعداد	سطح تحصیلات	سن خدمتی	سن تقویمی
4 نفر	کارشناسی	15 تا 20 سال 2 نفر	30 تا 35 سال 1 نفر
		21 تا 25 سال 2 نفر	36 تا 40 سال 3 نفر
		15 تا 20 سال 4 نفر	30 تا 35 سال 1 نفر
28 نفر	کارشناسی ارشد	21 تا 25 سال 22 نفر	36 تا 40 سال 20 نفر
		25 سال به بالا 2 نفر	40 سال به بالا 7 نفر
10 نفر	دکتری	21 تا 25 سال 3 نفر	36 تا 40 سال 2 نفر
		25 سال به بالا 7 نفر	40 سال به بالا 8 نفر

یافته‌های استنباطی

در آزمون فرضیه‌های تحقیق، برای بررسی رابطه متغیرها و تعیین اثر هر یک از متغیرها با آزمون T و معادله رگرسیون محاسبه و نتایج به ترتیب بیان فرضیه‌ها عبارتند از:

فرضیه اول: بُعد شناسایی و تشخیص در پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر دارد.

جدول شماره 5- نتایج ضرایب رگرسیونی بُعد شناسایی و تشخیص در پیشگیری انتظامی از جرم

مدل	ضریب غیر استاندارد	ضریب استاندارد		T آماره	سطح معنی‌داری (sig)
		Beta	Std. Error		
1	0/0470	0/558	0/248	2/281	0/047
	0/950	070	0/881	12/331	0/000

متغیر مستقل در معادله رگرسیونی بعنوان هسته اصلی رگرسیون در جدول شماره 5 تأثیرگذار است. یعنی با ارتقای یک واحد متغیر شناسایی و تشخیص، 0/881 واحد پیشگیری انتظامی از جرم ارتقاء پیدا خواهد کرد در نتیجه ارتباط مثبت است. همچنین آزمون T مربوط به ضرایب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل نشان داده

شده است و مقدار سطح معنی‌داری (sig) برای این متغیر برابر 0/000 بوده است، در نتیجه فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم: بُعد طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر دارد.

جدول شماره 6- نتایج ضرایب رگرسیونی بُعد طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم

مدل	ضریب غیر استاندارد			T آماره	سطح معنی‌داری (sig)
	Beta	Std. Error	B		
(مقدار ثابت)	0/260	0/232	0/220	2/001	0/043
1 طراحی و ایجاد راه حل‌ها	0/805	0/070	0/732	11/742	0/000

متغیر مستقل در معادله رگرسیونی به عنوان هسته اصلی رگرسیون در جدول شماره 6 تأثیرگذار است. یعنی با ارتقای یک واحد متغیر طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها، 0/732 واحد پیشگیری انتظامی از جرم ارتقاء پیدا خواهد کرد در نتیجه ارتباط مثبت است. همچنین آزمون T مربوط به ضرایب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل نشان داده شده است و مقدار سطح معنی‌داری (sig) برای این متغیر برابر 0/000 بوده، لذا فرضیه فوق تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم: بُعد انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر دارد.

جدول شماره 7- نتایج ضرایب رگرسیونی بُعد انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم

مدل	ضریب غیر استاندارد			T آماره	سطح معنی‌داری (sig)
	Beta	Std. Error	B		
(مقدار ثابت)	0/470	0/232	0/230	2/281	0/045
1 انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها	0/880	0/070	0/805	12/331	0/000

متغیر مستقل در معادله رگرسیونی بعنوان هسته اصلی رگرسیون در جدول شماره 7 تأثیرگذار است. یعنی با ارتقای یک واحد متغیر انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها، 0/805 واحد پیشگیری انتظامی از جرم ارتقاء پیدا خواهد کرد در نتیجه ارتباط مثبت است. همچنین آزمون T مربوط به ضرایب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل

نشان داده شده است و مقدار سطح معنی‌داری (sig) برای این متغیر برابر 0/000 بوده است، لذا این فرضیه تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بعد ارزیابی راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر دارد.

جدول شماره 8- نتایج ضرایب رگرسیونی بعد ارزیابی راه‌حل‌ها در پیشگیری انتظامی از جرم

مدل	ضریب غیر استاندارد			T آماره	سطح معنی‌داری (sig)
	Beta	Std. Error	B		
1				2/251	0/042
	ارزیابی راه‌حل‌ها	0/070	0/805	11/561	0/000

متغیر مستقل در معادله رگرسیونی بعنوان هسته اصلی رگرسیون در جدول شماره 8 تأثیرگذار است. یعنی با ارتقای یک واحد متغیر ارزیابی راه‌حل‌ها، 0/720 واحد پیشگیری انتظامی از جرم ارتقاء پیدا خواهد کرد در نتیجه ارتباط مثبت است. همچنین آزمون T مربوط به ضرایب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل نشان داده شد و مقدار سطح معنی‌داری (sig) برای این متغیر برابر 0/000 بوده و در نتیجه فرضیه تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم دارای تأثیرهای متفاوتی می‌باشند، به عبارت دیگر هر یک از ابعاد تصمیم‌گیری در این پژوهش شامل: « شناسایی و تشخیص مسئله، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها، ارزیابی راه‌حل‌ها» در پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر متمایزی داشته و شناسایی میزان هر یک از ابعاد در دستیابی به اهداف مورد نظر پلیس که به‌عنوان مجری برقراری نظم و امنیت عمومی محسوب می‌شود دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است، در نتیجه این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ابعاد تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم به روش کمی انجام شد. برای این منظور اساتید گروه پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین و رؤسای سرکلانتری دوم فاتب به عنوان جامعه این پژوهش در نظر گرفته شدند و متغیرهای تحقیق با آزمون T و معادله رگرسیون برای بررسی فرضیه‌ها مورد استفاده قرار گرفت نتایج آن نشان داد ابعاد تصمیم‌گیری بر پیشگیری انتظامی از جرم تأثیر

مثبت داشته و رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد که می‌توان نتیجه گرفت فرضیه‌های تحقیق مورد تأیید است. در این میان بالاترین تأثیر مربوط به متغیر شناسایی و تشخیص مسئله با (0/248 واحد) و کمترین تأثیر مربوط به ارزیابی راه‌حل‌ها است با (0/210 واحد). لذا به منظور پیش‌بینی دقیق؛ مقادیر متغیرها معادله رگرسیونی به صورت زیر است:

(ارزیابی راه‌حل‌ها) 0/210، (انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها) 0/230، (شناسایی و تشخیص مسئله) 0/248 و (طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها) 0/220 یعنی با ارتقای یک واحد از متغیرهای مدل به ترتیب متغیرهای: شناسایی و تشخیص مسئله (0/248 واحد)، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها (0/220 واحد)، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها (0/230 واحد) و ارزیابی راه‌حل‌ها (0/210 واحد) بیشترین تأثیر را در پیشگیری انتظامی از جرم خواهد داشت. نتایج این پژوهش در دو متغیر تحقیق (ابعاد تصمیم‌گیری و پیشگیری انتظامی از جرم) با روش‌های 4 مرحله‌ای (کونتز و دیگران)، 5 مرحله‌ای (کافمن) و نظرات آرنولد، فلدمن 1988 و گلداشتاین 1990 رابطه نزدیکی داشته است همچنین نتایج این تحقیق با مطالعات ابراهیم‌زاده و ملکی (1395)، بغدادی و براری (1393)، همچنین روئتل (2013)، فلیکس ویتزمن و چرماک (2013)، صحرایی و فرجی (1393) و لاله ماژین (1393) همسو و هم‌جهت می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش مبنی بر تأثیر متغیرهای شناسایی و تشخیص مسئله، طراحی و ایجاد راه‌حل‌ها، انتخاب و گزینش راه‌حل‌ها و ارزیابی راه‌حل‌ها بر پیشگیری انتظامی از جرم، به‌منظور تحقق هرچه بهتر اهداف پیشگیری انتظامی از جرم در راستای تصمیم‌گیری مناسب و به‌موقع پیشنهاد می‌شود:

- توجه بیشتر مسئولین انتظامی به شناخت اصول و مبانی تصمیم‌گیری در پیشگیری انتظامی از جرم، بویژه تشخیص و شناخت در مراحل اولیه معطوف گردد؛

- با توجه به اهمیت موضوع شناسایی و تحت کنترل قرار گرفتن مرتکبین و مجرمین به منظور پیشگیری از جرایم با بکارگیری فن آوری جدید از سوی مجریان امر مورد لحاظ قرار گیرد؛
- مواضع و محل های وقوع جرم بویژه جرایم مهمه مورد شناسایی دقیق قرار گیرد؛
- با توجه به یافته های پژوهش، احراز آمادگی و هوشیاری لازم پلیس در مواقع وقوع جرم بویژه نیروهای پلیس پیشگیری از جرم مورد توجه خاص قرار گیرد؛
- در راستای رفع معایب و نواقص احتمالی تصمیمات اجرایی، از سوی مسئولین اقدامات لازم اعمال گردد؛
- موضوع تصمیم گیری در پیشگیری از جرم به عنوان سرفصل دروس دانشجویان رشته پیشگیری از جرم تصویب و اجرایی گردد.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می دانم از مجموعه مسئولین سرکلانتری دوم فرماندهی انتظامی تهران بزرگ و اساتید گروه پیشگیری دانشگاه علوم انتظامی امین که در راستای انجام این پژوهش همکاری لازم را داشته اند تشکر و قدردانی نمایم.

- ابراهیم‌زاده، علی (1395). تبیین برنامه‌ریزی مؤثر در مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی ایلام، شماره 17، صص 7-24.
- احمدلویی، محمدحسین (1389). تبیین نقش فرایند تصمیم‌سازی در تصمیم‌گیری مدیران عالی سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی، دوره 3، شماره 12، صص 25-43.
- استوارت، بلک (1390). الفبای کاربردی مدیریت تغییر و استراتژیک ضروری. ترجمه مرضیه کیقبادی. تهران: انتشارات آینده‌پژوه.
- اسکندری، مجتبی و باقری، حجت‌الله (1393). مدیریت دانش و تأثیر آن در تصمیم‌گیری مدیران و فرماندهان. فصلنامه توسعه سازمانی پلیس، شماره 43، صص 11-29.
- بارانی، محمد (1388). رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم. پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.
- باقریان، محمد (1386). تصمیم‌گیری حکیمانه رویکردی جدید به الگوسازی در مدیریت. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بختیاری، لطفعلی (1394). شایسته‌سالاری و شایستگی مدیریتی. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی بازرسی ناجا.
- براری، شهروز (1393). نقش هدایت و کنترل در مدیریت پیشگیری انتظامی از جرایم. فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی گیلان، شماره 10، دوره 3، زمستان، صص 34-51.
- بغدادی، مصطفی (1393). تأثیر شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران بر عملکرد سازمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و مدیریت، دانشگاه شهیدبهشتی.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس (1387). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. معاونت اجتماعی ناجا.
- ترویانوویچ، رابرت و باکوروکس، بانی (1383). پلیس جامعه محور. ترجمه علیرضا غلامی و عبدالرضا رستمی تهران: انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- چرماک، توماس (1393). برنامه‌ریزی بر پایه سناریو. ترجمه سعید خزایی، مریم وکیل‌زاده و علی راه نشین، اصفهان: انتشارات علم آفرین.
- حسینی، سیدعبدالرضا (1385). طراحی و تبیین الگوی مناسب تصمیم‌گیری مدیران عالی دانشگاه‌های دولتی. رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
- حمیدی زاده، محمدرضا (1387). تصمیم‌گیری نوین. دانشگاه عالی دفاع ملی.

- دفت، ریچارد ال (1385). تئوری و طراحی سازمان. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رضائیان، علی (1390). مبانی سازمان و مدیریت. (چاپ پانزدهم)، تهران: انتشارات سمت.
- سعادت، اسفندیار (1380). فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان. انتشارات دانشگاه تهران.
- صحرایی، اکبر و حسین فرجی، محمد (1393). نقش MIS در بهبود تصمیم‌گیری مدیران. فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی البرز، شماره 5، دوره 2، زمستان، صص 21-39.
- عباچی، مریم (1387). مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه پلیس پیشگیری ناجا، شماره 3، دوره 3، صص 26-45.
- عباس‌زادگان، سیدمحمد (1387). تصمیم‌گیری در مدیریت اجرایی. تهران: سهامی انتشار.
- گودرزی، غلامرضا (1386). تصمیم‌گیری استراتژیک. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- لاله ماژین، بهروز (1393). رویکردهای پلیس در پیشگیری انتظامی از جرم. فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی بوشهر، شماره 17، دوره 3، صص 45-65.
- محمدنسل، غلامرضا (1393). کلیات پیشگیری از جرم. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- ملکی، عباس (1394). آشنایی با فرآیند تصمیم‌گیری و انواع مدل‌های تصمیم‌گیری. انتشارات دانشگاه تهران.
- میس، ادوین و اورتمایر، پی جی (1385). رهبری، اصول اخلاقی و امورپلیسی. ترجمه حسین شاکری، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- میرزایی مطلق، عباداله (1388). نقش پلیس در افزایش و کاهش جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی نراق.
- نالان احمدآباد، سمیه (1393). تصمیم‌گیری چند معیاره با روش چاکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد و سرکشکیان، سیدمحمدحسین (1392). پیشگیری از جرم (از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس). معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- الوانی، سید مهدی (1390). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- Chermack, Thomas J. 2009. Improving decision-making with scenario planning. journal-article Futures.p295-309 (USA). Elsevier BV.

Archive of SID

- Edwards, Taylor, John Ward, & Andy Bytheway; The Essence of Information Systems; New York: Prentice-Hall, 1999, P. 10.
- Lucas, Jr., reotatel; The Analysis, Design, and Implementation of Information Systems; 3rd Ed. New York: McGraw-Hill, 2013, P. 35.
- Lowler, Edward E., & Rhode, John Grant; Information and Control in Organizations; California: Goodyear Publishing co. 1998, Pp. 139-52.
- robertloy, Stephen, P; Managing Today; New Jersey: Prentice Hall, 2005, P. 69.